گفت‌وگوی اختصاصی روزنامه ایران با سوپراستار والیبال ایران

کوتوله‌ها که آمدند، والیبال افت کرد

تیم ملی بازیکنان تاپی ندارد، بزرگ‌تر تیم بودیم اما باند نداشتیم

گفت و گو

مهری رنجبر
دبیر گروه ورزشی

هنوز هم در ایران کسی به گرد پایش نمی‌رسد. هنوز هم خیلی‌ها با دفاع‌های روی تورش خاطره بازی می‌کنند.

حرف از آخرین بازمانده نسل طلایی در تیم ملی والیبال است؛ سید محمد موسوی، یکی از بهترین مدافعان روی تور دنیا. سوپراستاری که خلأاش هنوز در تیم ملی والیبال ایران بدجوری توی ذوق می‌زند.

سید آخرین بازمانده نسل طلایی والیبال ایران است؛ بازمانده‌ای که تا دو سال پیش در تیم ملی بازی می‌کرد و با دفاع‌هایش همه را به وجد می‌آورد. او با اینکه به قول خودش دلش همیشه برای تیم ملی تنگ می‌شود، اما تغییر نسل را پذیرفته است. با این حال اگر به تیم ملی دعوت شود و زانوهایش اجازه دهند، باز هم نه نمی‌آورد. ستاره والیبال ایران بعد از دو فصل بازی در فولاد سیرجان، فصل جدید به یزد اسباب‌کشی کرده تا فصل جدیدی را کنار مهدی مهدوی هم تیمی قدیمی‌اش به کوله‌بار تجربیاتش اضافه کند. او حالا ۳۸ ساله است و نزدیک به دو دهه حضور در تیم ملی را در کارنامه دارد.

حالا که تیم ملی آماده لیگ ملت‌ها شده و شما نیستی، دلتنگ تیم ملی نمی‌شوی؟

همیشه دلتنگی برای تیم ملی هست. بالاخره من ۲۲-۲۰ سال عمرم را در تیم ملی والیبال بازی کرده‌ام. من عمرم را در تیم ملی گذرانده‌ام. اما تغییر نسل اتفاق می‌افتد. من خیلی خوش‌شانس بودم که تا دو سال پیش در تیم ملی بازی می‌کردم، چرا که پوشیدن پیراهن تیم ملی سخت است و احترام دارد.

هنوز هم دوست‌داری در تیم ملی بازی کنی؟

نه اینکه دوست نداشته باشم، شرایط بدنی‌ام اگر اجازه دهد و دعوت شوم با کمال میل قبول می‌کنم ولی حالا دیگر خیلی سخت شده است. به ویژه با وجود پسرانم.

قصد خداحافظی از والیبال را نداری؟

تا وقتی که زانوهایم یاری کنند، بازی می‌کنم.

تو آخرین بازمانده تیم ملی هستی.

دقیقاً. میلاد عبادی‌پور که از سال ۲۰۱۴ به تیم ملی اضافه شد، ما چند سالی بود که داشتیم بازی می‌کردیم. میلاد حالا ۳۲ ساله است. سال ۹۰ در تیم کاله که هم تیمی بودیم کوچک بود و هنوز ریش و سبیل نداشت. عمر آدمی خیلی زود می‌گذرد. از سال ۲۰۱۴ تا الان ۱۱ سال گذشته. من از سال ۲۰۰۶ با پارک کیوون برای قهرمانی آسیا در تیم ملی بازی کردم.

استقامت خوبی داشتی.

بله. فقط هیچ کسی محاسبه نکرده که چند تا بازی ملی دارم. باورتان نمی‌شود، من نمی‌دانم چند بازی ملی دارم. نمی‌دانم چند بار توپ را دفاع کرده‌ام، چند تا اسپک زدم و چند امتیاز گرفتم. وقتی از من می‌پرسند فقط می‌گویم فکر کنم ۴۰۰-۳۰۰ بازی ملی دارم اما دقیق نمی‌دانم.

انگار هنوز مدافع روی توری نیامده که خلأ نبود سید را در تیم ملی پر کند.

خیلی استعدادهای زیادی آمده، هست و خواهد آمد. اما بازیکنی که استمرار داشته باشد، می‌تواند کم کم خوب شود. من همیشه مثال علی اصغر مجرد را می‌زنم. علی اصغر یکی از سرعتی‌زن‌هایی است که من فکر می‌کردم خیلی خوب است و هنوز هم همین نظر را دارم. او آن قدر این یک‌سال مصدومیت‌های شدید پیدا کرد که اگر من جای او بودم فکر می‌کردم دیگر نمی‌توانم ادامه دهم و باید والیبال را کنار بگذارم. اما حالا دیدیم که بعد از پارگی آشیل پایش در حال تمرین است تا دوباره برگردد. خیلی همت می‌خواهد تا بعد از مصدومیت‌های سنگین دوباره بخواهی برگردی. بازیکنان دیگری هم آمدند و به دلایلی فکر می‌کنند پیشرفت تا همان حد کافی است. البته فضای مجازی هم آمده که تعریف و تمجید زیادی بعد از یک بازی از یک بازیکن می‌کنند. اتفاق می‌افتد که بازیکن یک بازی بترکاند، اما یک ستاره باید ۵۰ تا بازی بازیکن عالی باشد تا به او پر و بال بدهند. وقتی این شرایط پیش می‌آید اول حرف قرارداد بالا را از باشگاهش پیش می‌کشد و بعد در ناخودآگاهش فکر می‌کند که بهتر از او نیست و همین باعث می‌شود تا درجا بزند. بعد در مسابقات جهانی و بازی روی دست همقطارانشان متوجه فاصله شده و سرخورده می‌شوند.

چطور؟

بچه‌ها تا نوجوانان و جوانان‌اند خوب هستند و بعد از آن پیشرفت چشمگیری ندارند که بالاتر بروند.

تا ۲۱ سالگی همه می‌گفتند سید با استعداد است و پیشرفت می‌کند و از آن به بعد سال به سال شرایطم بهتر شد. از خطاهایم کمتر شد و در دفاع بیشتر به تیم کمک کردم و در حمله آمارم را بالاتر بردم و در دریافت و توپ‌گیری و هر فاکتوری که به تیم کمک می‌کند سعی کردم پیشرفت کنم. فکر نمی‌کردم ممکن است درجا بزنم. آن موقع سوشال مدیا نبود شاید اگر آن موقع هم بود، من هم این قدر پیشرفت نمی‌کردم. چون بازیکن جوان مثلاً ورزشکار بالای ۳۰ سال عقلش نمی‌رسد که بداند سوشا مدیا چه کاربردی دارد.

چرا این قدر سرویس خراب می‌کنی؟

همیشه خراب نمی‌شود. آمار را هم نگاه کنی، متوجه می‌شوی. بعضی مواقع اسم که در می‌رود، تأثیر می‌گذارد. من وقتی نوجوانان و جوانان بودم در مسابقات جهانی نفر دوم سرویس دنیا شدم اما در یک تورنمنت تهران هم زیاد سرویس خراب کردم. این مسأله آن قدر بزرگ شد که باعث شد تمرکز من به هم بریزد. مدام با خودم می‌گفتم نکند سرویسم خراب شود. بعضی مواقع پیش آمده که با سرویس به تیم کمک کنم. اما در مجموع در سرویس زدن ضعیف‌تر از دفاع و اسپکم هستم.

هنوز هم که هنوز است حرف از باند سعید معروف در تیم ملی والیبال است. واقعاً سعید معروف باند داشت؟

این قضیه هم جزو آن دسته از داستان‌هایی است که در فضای مجازی به آن پر و بال می‌دادند و روزنامه‌نگاران زردنویس خیلی به آن می‌پرداختند. چرا، چون ما با هم دوست بودیم پس باند بودیم؟

می‌گفتند باند معروف در تیم ملی برای خط زدن بازیکنان تصمیم می‌گرفت.

نه ما تصمیم نمی‌گرفتیم. ما چون بزرگترهای تیم بودیم، مربی از ما درباره بازیکنان نظر می‌پرسید. اتفاق نرمالی است که مربیان نظر بازیکنان بزرگتر تیم را بپرسند، اما نظرمان را به مربی تحمیل نمی‌کردیم که این بازیکن را بردار و آن یکی را بینداز بیرون. قطعاً من این قضیه را ندیدم.

چرا تیم ملی والیبال ایران افت شدیدی کرده؟

چند دلیل دارد. اول؛ مدیریت فدراسیون است. از زمانی که داورزنی در فدراسیون یک لنگه پا شد، از فدراسیون رفت و آمد و آدم‌های کوتوله روی صندلی ریاست نشستند دیگر شرایط پشتوانه‌سازی مثل قبل نشد، پول مثل قبل نبود و کمتر شد. از طرف دیگر نسل Z آمده و بعضی از آنها تحت تأثیر فضای مجازی بودند و والیبال با ۴۰ بازیکن متوسط مواجه شد.

ما انگشت شمار بازیکن عالی داریم. تیم‌های بزرگ دنیا معمولاً ۴-۳ بازیکن با کیفیت عالی دارند، بعضی تیم‌ها ۶ بازیکن اما لهستان ۱۲ تا بازیکن عالی دارد. حالا تیم ملی ۸ دریافت کننده معمولی دارد که هر ۸ نفر می‌توانند فیکس باشند یا خط بخورند. همه شرایط یکسانی دارند اما مثل میلاد عبادی‌پور یا فرهاد قائمی در دریافت باید ۱۰۰ باشند یا در اسپک با بقیه تفاوت داشته باشند. حالا سه تا پنج پشت خط زن با قواره خوب داریم اما آن‌ها نیز هنوز کار دارند تا عالی شوند و به سطح جهانی برسند. اسماعیل‌نژاد در لیگ‌های ایتالیا و لهستان بازی کرده، تازگی بازیش را ندیده‌ام، اما دو سال پیش هنوز جا داشت برای رسیدن به سطح عالی. برای اینکه در سطح تیم‌های تاپ دنیا بازی کنی نیاز به بازیکنان تاپ داری. اما تیم ما ندارد. بازیکنان خیلی نزدیک به هم هستند و هیچ‌کدام سعی نمی‌کنند خودشان را بالا بکشند و با بقیه فاصله بگیرند. سعید معروف از بقیه پاسورها فاصله گرفته بود، فرهاد قائمی و میلاد در دریافت با بقیه فاصله گرفته بودند، حتی میرزا جان‌پور و شهرام محمودی و امیر غفور خودشان را به سطح تاپ دنیا رسانده بودند اما من حالا مانده‌ام که سرمربی چطور می‌خواهد بازیکن خوب انتخاب کند.

خانزاده مبین نصری، اسفندیار، شریفی، علی حق پرست و ساداتی در یک سطح بازی می‌کنند با یک نوع دریافت، حمله و سرویس. آن‌ها در سطح متوسط رو به خوب هستند. اما ما بازیکنانی می‌خواهیم که با یک جهش خودشان را بالا بکشند و تعیین کننده باشند. ما یک ستاره مثل لئون و پاتری نداریم. شاید زور و حمله امین خیلی خوب است اما هنوز مثل پاتری ششدانگ نیست.

پیاتزا می‌تواند بچه‌ها را بالا بکشد؟

پیاتزا علمش را دارد اما مربی به تنهایی در ایران نمی‌تواند کار کند. اگر فدراسیون حمایت کند و بچه‌ها نظم و دیسیپلین داشته باشند چرا که نه. ما حالا بازیکنان زیادی داریم که قبلاً نداشتیم.

دفاع‌های روی تور شما همه را به وجد می‌آورد. خودت هم قبلاً گفتی که عشق دفاع هستی. خیلی‌ها معتقدند از سید دفاع‌های جانانه توی ذهنشان مانده. قبلاً روی شکل دفاع و خوشحالی کردن فکر می‌کنی؟

نه. خوشحالی کردن‌هایم که فی‌البداهه است. اما روی دفاع زیاد فکر می‌کنم. معمولاً شب قبل از بازی به حرکت پاسور، اسپوکرها و اینکه چطور حمله می‌کنند و در چه حرکتی اسپک می‌زنند خیلی فکر می‌کنم. تصویرسازی یکی از تکنیک‌هایی است که خیلی به دفاع موفق کمک می‌کند.

چطور؟

شب‌های قبل از بازی که من معمولاً ۱۰ الی ۱۰ونیم شب برای خواب به رختخواب می‌روم ناخودآگاه تا ۱۲و نیم الی یک شب بیدارم و در ذهنم این حرکات را مرور می‌کنم. من بعضی مواقع قرص خواب می‌خوردم تا آرام‌تر شوم و راحت بخوابم. به هر حال شرایط بدنی هم مهم است و باید زود بخوابیم ولی واقعاً تصویرسازی خیلی کمک می‌کند. خیلی مواقع آن دفاع، حمله یا سرویس یا هر اتفاقی که در بازی می‌افتد را من یک بار شب قبل از بازی در ذهنم تمرین کرده‌ام. این خیلی به من کمک می‌کند تا در لحظه کوتاه عملکرد بهتری داشته باشم.

درست است که برای فصل جدید قرارداد والیبالی‌ها تا ۲۰ میلیارد بالا می‌رود؟

اگر باشد که من خیلی خوشحال می‌شوم اما فکر نمی‌کنم تا ۲۰ میلیارد برسد. عدد دقیق را نمی‌دانم اما به نظرم خیلی کمتر از این حرف‌هاست. یعنی من تا ۱۲-۱۰ میلیارد شنیده‌ام ولی ۲۰ میلیارد را نشنیده‌ام و اگر هم باشد نهایت یکی، دو بازیکن چنین قراردادی داشته باشند.

شما موافق چنین قراردادی هستید؟

من این طور می‌گویم که قرارداد ۱۳-۱۲ میلیاردی بچه‌ها با روند صعودی دلار و نسبت به قراردادهای فصل قبلی مبلغ زیادی نیست. اصلاً اگر قرارداد والیبالی‌ها ۲۰ میلیارد است چرا بازیکنان به جای لژیونری نمی‌آیند در لیگ ایران بازی کنند و کنار خانواده‌هایشان باشند، تا با وجود آنها لیگ پویاتر شود. به هر حال با بالا رفتن دلار، تورم پیش آمده و با آن ۱۲ میلیارد یک خانه کوچک در تهران هم نمی‌شود خرید. شاید نصف یا یک سوم این مبلغ خرج سالیانه بازیکن شود. نمی‌خواهم بگویم عدد کمی است یا زیاد اما همین رقم ۱۳-۱۲ میلیاردی که شنیده‌ام نسبت به قبل و قیمت دلار شاید یک سوم شده است.

اگر قراردادها به ۲۰ میلیارد برسد، اتفاق خوبی است؟

قطعاً در ورزش یا هر جایی یا حتی روزنامه اگر سرمایه و امکانات بیشتری به شما داده شود، کیفیت کار شما هم بالاتر می‌رود و حتی می‌توانید با غول‌های رسانه‌ای دنیا رقابت کنید. هر کاری نیاز به اسپانسرینگ و سرمایه دارد. اگر باشگاهی امسال با سرمایه ۱۰۰ میلیاردی قهرمان می‌شود، سال بعد با ۲۰۰ میلیارد می‌تواند بازیکنان خارجی خوب بگیرد و امکانات بیشتری برای باشگاهش بخرد. کاری که باشگاه‌های ژاپن انجام می‌دهند. به هر بازیکن ۸۰۰ هزار، یک میلیون یا یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار پول می‌دهند، بنابراین بازیکنان و بهترین مربیان دنیا وقتی چنین قراردادی دارند شرایط فنی را بهتر از قبل می‌کنند. کنار آن شرایط سخت‌افزاری، کف‌پوش استاندارد و ویدیوچک هم اضافه می‌شود. باشگاه‌ها در ورزش هر چقدر پول داشته باشند خروجی بهتری هم دارند. قبلاً که والیبال ایران خوب نتیجه می‌گرفت و به اوج رسید، پول‌های خیلی خوبی به فدراسیون می‌آمد. بهترین مربیان، بهترین امکانات، شرایط سفرخوب، رفت و آمد با پرواز بیزنس کلاس و هتل‌های خوب در اختیار بچه‌ها بود. همچنین تأمین بچه‌ها در قراردادها و پاداش‌هایشان هم به موقع بود. هر چقدر کمتر به مسائل مالی در قراردادها فکر کنی و برای جبران کسری مالی درگیر مشاغل دیگر باشی، باعث می‌شود تا کیفیت فنی پایین بیاید. ورزشکار حرفه‌ای باید با قراردادش استراحت کند، تمرین کند و تغذیه خوب داشته باشد. اما حالا این طور نیست.

حالا قرارداد ۱۳-۱۲ میلیاردی را همه بازیکنان دارند؟

این عدد تنها برای ۶-۵ بازیکن است، نه همه. ما بازیکن داریم که قرارداد ۳-۲ میلیاردی می‌بندد و حتی بازیکن جوانی که با قرارداد ۳۰۰ میلیونی بازی می‌کند. قطعاً زندگی‌شان تأمین می‌شود و بالاجبار کار دیگری هم انجام می‌دهند که این باعث می‌شود تمرکز روی تمرین و بازی نداشته باشند و به کیفیت فنی آنها لطمه بخورد.

در فصل گذشته فکر می‌کردی بهترین مدافع روی تور لیگ شوی؟

این انتخاب دلایل مختلفی دارد؛ بعضی‌ها آمار بازی‌های طول فصل را در نظر می‌گیرند، بعضی‌ها هم نسبت به شرایط بازیکنان، دو بازی را در نظر می‌گیرند. نمی‌دانم اما به نظرم، امسال شرایط آن طوری که می‌خواستم، نبود. بویژه در فینال که مصدومیت زانویم خیلی اذیت کرد و من با ۶۰-۵۰ درصد توانم کار کردم و فقط می‌خواستم به تیمم کمک کنم. حالا بعضی مواقع سلیقه‌ای هم هست. گاهی اوقات فکر می‌کردم بین بهترین‌ها هستم اما این طور نشده، بعضی مواقع هم که اصلاً به آن فکر نکرده‌ام بهترین مدافع روی تور شده‌ام. بازیکنان جوان‌تر هم می‌توانستند بهترین مدافع روی تور بشوند.

انگار فصل قبل لیگ والیبال جذاب نبود.

متأسفانه سطح فنی لیگ پایین آمده بود. بخواهیم، نخواهیم. شاید من که با فولاد قهرمان شده‌ام بودم نباید این حرف را بزنم اما سطح لیگ برتر والیبال ایران به دو دلیل پایین آمده بود؛ دلیل اصلی آن این است که میزان سرمایه‌گذاری اسپانسرها نسبت به دلار که لحظه‌ای بالا می‌رود، کمتر شده است و بچه‌های ملی‌پوش، بازی در لیگ‌های اروپایی را ترجیح می‌دهند و بازیکن خارجی با کیفیت هم برای بازی به لیگ ایران نمی‌آید. در واقع ما خروجی داریم اما ورودی نه. سال‌های قبل از ۹۷-۹۶ که جهش دلار را داشته باشیم، بازیکنان ملی‌پوش اکثراً در ایران بازی می‌کردند و با کیفیت‌ها هم کم نبودند و بازیکنان خیلی خوب جهانی می‌آمدند و بازی در لیگ ایران را دوست داشتند همچنین وضعیت اجتماعی هم مناسب‌تر بود. اما حالا شرایط خیلی سخت‌تر شده و بازیکنان خارجی هم نمی‌آیند. بویژه با تبلیغات منفی که علیه ایران در دنیا می‌شود و اغلب آنها هم درست نیست. به همین خاطر سطح لیگ برتر والیبال پایین آمده است و از طرفی یکسری بی‌برنامگی‌ها مثل تغییر زمان بازی‌ها و برگزاری جام حذفی که تیمی در آن شرکت نمی‌کند و آخر سر با دو تیم سر و ته آن را هم می‌آورند. لیگ این ناهماهنگی‌ها را دارد. باز خدا را شکر با این لیگ پر فراز و نشیب، مصدومیت‌ها، مریضی‌ها و مشکلات بعد از تورنمنت‌های بزرگ، تیم خودش را جمع کرد و تیم فولاد هم قهرمان جام حذفی شد و هم لیگ برتر.

دلیل افت فولاد در لیگ چه بود؟

ما سال قبل بعد از باشگاه‌های آسیا افت ۴۰-۳۰ درصدی داشتیم، اواسط فصل درگیر مصدومیت و مریضی هم شدیم. درست یک ماه قبل از باشگاه‌های جهان ویروسی در تیم افتاد که هر هفته دو، سه بازیکن درگیر می‌شدند و خانه‌نشین. من خودم که اصولاً مریض نمی‌شوم یک هفته با آن درگیر بودم و دو بازی را از دست دادم. ما بعد از باشگاه‌های جهان درگیر افت بدنی شدیم. چرا که هیجان بالا را در آن رقابت‌ها تجربه کردیم و در لیگ ایران دو، سه باخت دادیم. این اتفاقات تا پلی‌آف همراه تیم بود. البته هدف ما پلی‌آف بود و به همین خاطر دور مقدماتی بیشتر بدنسازی می‌کردیم تا در پلی‌آف به درد ما بخورد. در نهایت جواب داد که با ۱۰ باخت قهرمان شدیم، رکوردی که قبلاً من با کاله مازندران تجربه کرده بودم. البته آن موقع کاله با ۹ باخت قهرمان شد.

امسال لیگ برتر والیبال حاشیه داشت. دلیل حاشیه‌ها به چه چیزی برمی‌گردد؟

من نمی‌خواهم به حاشیه‌ها بپردازم. حاشیه‌ها شیرینی ورزش و مبارزه است. بجز یک مورد که در گرگان اتفاق افتاد. حرف‌ها، شعارهای تماشاگران و چیزهایی که به زمین پرتاب می‌کنند و اتفاقات این شکلی نرمال است.

در فینال، پرتاب مهتابی کمی خطرناک شد.

در فینال هم حاشیه‌ها اتفاق افتاد اما کمی زیاد. اما من بد نمی‌دانم. ببینید تماشاگر از یزد می‌آید، دو روز درست نخوابیده، معلوم نیست کجا اسکان دارد، تیمش عقب می‌افتد و حس می‌کند داور هم سوت اشتباه زده است، بنابراین فشارهایی می‌آید. یا یک جوان ۱۴-۱۳ ساله مهتابی را به زمین پرتاب می‌کند.

به نظرم حاشیه در همه بازی‌های دنیا هست. البته منظورم پرتاب مهتابی نیست اما داد و بیداد، سر و صدا و حتی دعوا نیز هست. به نظرم حاشیه لیگ والیبال خیلی زیاد نیست. اتفاق بدی که در گرگان در بازی شهرداری ارومیه و پاس گرگان افتاد. آن اتفاق بدی بود و شاید لازم بود برخوردهای جدی‌تری با مسببان آن می‌شد. چرا که به بازیکن و مربی بی‌حرمتی شد. همه با هم مقصر بودند، اما در لیگ والیبال ایران حاشیه زیاد نیست.

اما پرتاب مهتابی در بازی فینال به زمین، کار خیلی خطرناکی بود.

کار خیلی خطرناکی بود بله. ببینید سالن گرگان برای بازی لیگ برتر والیبال کوچک است. شانسی که ما آوردیم فولاد تیم پرطرفداری نبود و مسافت سیرجان تا تهران هم هزار کیلومتر بود. بازی فینال می‌توانست در سالن ۱۲ هزار نفری برگزار شود. اگر بازی در سالن ۱۲ هزار نفری بود، قطعاً این ۶-۵ هزار نفری که یکسری هم بیرون از سالن ماندند پخش می‌شدند و این اتفاقات هم نمی‌افتاد. به نظرم اگر تیم‌های پرطرفدارتر مثل شهرداری ارومیه و شهداب یزد فینالیست می‌شدند، چه اتفاقی می‌افتاد؟ شک نکنید ۱۰ هزار نفر بیرون سالن می‌ماندند. حالا شانس آوردیم که فولاد و یزد به فینال رسیدند. باید این مسائل را مدیریت کرد، چرا که سالن فدراسیون برای فینال لیگ کوچک است، شاید برای بازی مقدماتی خوب باشد اما برای بازی‌های حساس پلی‌آف، نیمه نهایی و فینال کوچک است.

پیش آمده که وقتی ماشین پارک کنی، یک عده در حال بازی والیبال باشند و از تو برای بازی دعوت کنند؟

بله، زیاد پیش آمده. البته من معمولاً بازی نمی‌کنم چون شرایط استاندارد نیست و خطرناک است. آنهایی که بازی می‌کنند حرفه‌ای نیستند و شاید آسیب‌ها باعث مصدومیت بشوند.

خاطره‌ای هم‌داری تعریف کنی؟

ما در شمال همسایه‌ای داشتیم که کنار ویلایش زمینی خریده بود فقط برای اینکه در آن والیبال بازی کند. آن هم در یک منطقه خیلی گران. من به او گفتم چرا نمی‌سازی؟ گفت خریده‌ام تا والیبال بازی کنیم. زمین را چمن کرده بود و یک بار با اصرار خیلی زیاد این همسایه کمی بازی کردم.

انگار بعد از ازدواج، با آمدن پسرها، زندگی سید رنگ و بوی دیگری گرفته نه؟

بله.

یک کم از پسرها برای ما بگو.

شک نکنید با بچه‌دار شدن شرایط و سبک زندگی افراد به طور کل عوض می‌شود. ساعت خواب، بیداری، نوع غذاخوردن و همه چیز عوض می‌شود. بعضی وقت‌ها که بعدازظهر به خانه می‌روم با بچه‌ها بازی می‌کنم. من به همسرم می‌گویم اگر اینها نبودند ما باید چه کار می‌کردیم. حوصله‌مان سرنمی‌رفت؟ این شیرینی خالص است. البته که سختی هم دارد. اما وقتی من می‌رسم پشت در خانه و در می‌زنم و هر سه پسرم می‌دوند را با هیچ کلمه و واژه‌ای نمی‌توانم توصیف کنم. به نظرم هیچ چیزی هم نمی‌تواند جایگزین شیرینی این لحظه باشد. البته بچه‌داری سختی‌های خاص خودش را دارد، مریضی دارد، تحصیل و نگرانی‌های تربیتی آنها هم هست. همه آنها به کنار اما شیرینی حضورشان به همه سختی‌ها می‌چربد.

حتی با خستگی بعد از تمرین و بازی هم باز با پسرها بازی می‌کنی؟

من قبلاً بعد از تمرین و بازی می‌رسیدم خانه، چون دوست دارم غذا روی زمین بخورم، مادرم سفره پهن می‌کرد غذا را می‌خوردم، یک چای می‌آورد و همان جا می‌خوابیدم. بدون اینکه حرفی بزنم یا جایی بروم حتی سفره را هم مادر جمع می‌کرد. یا وقتی تیمم در بازی می‌باخت مادرم می‌دانست تا دو روز حرف نمی‌زنم. اما حالا نه. مهم‌ترین بازی‌های فصل را هم ببازم با اینکه از باخت خیلی عصبانی می‌شوم اما دیدن و بازی با پسرانم همه ناراحتی و عصبانیت‌هایم را می‌شورد و می‌برد تا حدی که فردای آن روز حالم خوب است و دیگر در ذهنم نمی‌ماند.

با بچه‌ها چه بازی‌ای می‌کنی؟

هر بازی که فکر کنید. از والیبال گرفته تا ماشین بازی، قایم باشک، منچ و مارپله، حتی کشتی می‌گیریم. البته بیشتر با پسر بزرگم شاهان. البته دایان هم می‌آید اما خیلی زود خسته می‌شود. تحرکش مثل شاهان نیست.

درست است که پرسپولیسی هستی؟

بله. با همه احترامی که برای اسطوره‌های استقلال قائل هستم اما اسطوره‌های پرسپولیس را بیشتر دوست دارم. شاید دلیل گرایشم به پرسپولیس وجود اسطوره‌هایی باشد که در ادب، شخصیت و فنی خیلی بزرگ بودند و من خیلی آنها را دوست دارم. نمی‌دانم از کجا نشأت می‌گیرد اما پرسپولیس را دوست دارم.

رضا معطریان/ ایران

> فضای مجازی هم آمده که تعریف و تمجید زیادی بعد از یک بازی از یک بازیکن می‌کنند. اتفاق می‌افتد که بازیکن یک بازی بترکاند، اما ستاره باید ۵۰ تا بازی بازیکن عالی باشد تا به او پر و بال بدهند. وقتی این شرایط پیش می‌آید بازیکن اول حرف قرارداد بالا را از باشگاهش پیش می‌کشد و بعد در ناخودآگاهش فکر می‌کند که بهتر از او نیست و همین باعث می‌شود درجا بزند

> من وقتی نوجوانان و جوانان بودم در مسابقات جهانی نفر دوم سرویس دنیا شدم اما در یک تورنمنت تهران هم زیاد سرویس خراب کردم. این مسأله آن قدر بزرگ شد که همین باعث شد تمرکز من به هم بریزد. اما در مجموع در سرویس زدن ضعیف‌تر از دفاع و اسپکم هستم

> خیلی مواقع آن دفاع، حمله یا سرویس یا هر اتفاقی که در بازی می‌افتد را من یک بار شب قبل از بازی در ذهنم تمرین کرده‌ام

> با همه احترامی که برای اسطوره‌های استقلال قائل هستم اما اسطوره‌های پرسپولیس را بیشتر دوست دارم

> من قبلاً بعد از تمرین و بازی می‌رسیدم خانه، چون دوست دارم غذا روی زمین بخورم، مادرم سفره پهن می‌کرد غذا را می‌خوردم، یک چای می‌آورد و همان جا می‌خوابیدم. بدون اینکه حرفی بزنم یا جایی بروم حتی سفره را هم مادر جمع می‌کرد. اما حالا نه. مهم‌ترین بازی‌های فصل را هم ببازم با اینکه از باخت خیلی عصبانی می‌شوم اما دیدن و بازی با پسرانم همه ناراحتی و عصبانیت‌هایم را می‌شورد و می‌برد

برای مشاهده متن کامل این گفت و گو بارکد را اسکن کنید